# پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره چهل ودوم دو شنبه ۱۶ جدی ۱۳۴۷ ۵ جنوری ۱۹۶۸


## پیکار عادلانهٔ مادر راه تأمین

### ترقی اجتماعی و رفاه عمومی خلق وطن ما افغانستان

بیروی دمو کرا تیک خلق افغانستان به پشکاه خلق، در برابر یسکا رعادلانه ارادیبخش ملی و دمو کراتیک در کشور ما هـ د ف های صلح، استقلال ملی، دمو کراسی، ترقی اجتماعی ورفاه عمومی را قرار داده است. در باره صلح، استقلال ملی ودمو کراسی قبلا صحبت های فراوان کرده ا یم. اکنون هدف های دو گانه ترقی اجتماعی ورفاه عمو می خلق کشور را مورد بحث قرار میدهیم وتوام باتوضیح موثر علمی در باره این دوهدف، از نظام موجود دوکشور انتقاد علمی مینمائیم.

قبل از اینکه وارد بحث دوگانه فوق سوئیم باید یکبار دیگر خاطر نشان ساخت که در شرایط کنونی نیل به ترقی اجتماعی ورفاه عمومی در جامعه افغان، بدون تعقیب یك سیاست صلح آمیز و استقرار کامل استقلال ملی (سیاسی واقتصادی) وتعمیم دموکراسی و ایجاد یك حکومت دموکراتیك وملی از تمام نیروهای ترقیخواه وموظبترست دوبلنجیده وسیع امکان پذیر نیست. زیرا که:

۱- صلح برای ما وتمام خلقهای جهان یك امر حیاتی، ویك ضرورت مبرم برای تامین استقلال ملی و تعمیم دموکراسی نمیباشد میرود.

۲- استقلال ملی (عدم تابع از سیاسی و اقتصادی) زمینه رشد وتکامل همه جانبه وسالم جامعه ملی ما را تامین مینماید. لذا استقرار استقلال ملی بدرجه اول تمکیل یك دولت ملی را ایجاب میکند.

۳- دموکراسی واقعی که شکلی از حکومت است، مساعد ترین شکل برای احیای استعداد های مردم و جلوگیری ازبروز کرانیزم واستبداد میباشد.

بنا براین د موکراسی شرط ضروری واولیه رشد وتکامل و ترقی سالم اجتماعی دوران معاصر محسوب میگردد. به همین جهت است که گفته میشود: « مبارزه در راه دموکراسی جز لاینفك مبارزه درراه سوسیا لیسم است».

باتذکر فوق ولینلنی شده فوق، هیمدرایم به ارزیابی قدرتهای ترقی اجتماعی ورفاه عمومی خلق افغانستان.

### ترقی اجتماعی :

واقعیت انکار ناپذیر است که کشور ما در دوسه تمام شئون حیا تی اعم از اقتصادی ، اجتماعی، سیاسی وفرهنگی قرنها از کشور های پیشرفته جهان عقب مانده است. متاسفانه درین عقب ماندگی هم در چنان وضع بدی قرار داریم که کشورهای مترقی جهان بصورت شگفت انگیزی بسرعت ماشین به پیش میروند، ولی جامعه ما باتمای «کاروان سیر، حرکت میکند، که طبعا میان این دوتوع حرکت روز بروز فاصله وشکاف عمیقتر و وسیعتر میگردد. به همین جهت وظیفه فوری وضروری وحیاتی که در وضع کنونی در مقابل ما قرار دارد عبارتست از ایجاد شرایط مساعد اجتماعی بخاطر تامین آهنگ سریع وهمه جانبه رشد وترقی جامعه افغانی ما،تاانوقت عقب ماندگی چندین صد ساله مارا طی مدت کوتاهی جبران کند.

سوالیکه مطرح بحث قرار میگیرد که ترقی یعنی چه و معیار ترقی کدام است ؟ تئوری علمی باسخ میدهد که ترقی یعنی حرکت سریع وجامع یك جامعه در مسیر رشد در جهت رسیدن به سطح جهانی تکنیك ،کولتور و نظام عا د لانه اجتماعی. معیار ترقی عبا رت است از تمام فاکتورهای که بسوی رشد تکنیك ،کولتور و نظام عادلانه اجتماعی حرکت میکند. ما ازین قرار معیار ترقی را بدینگونه تعریف میکنیم:

ترقی عبارت است از تمام فاکتورهای که بسوی رشد تکنیك ،کولتور و نظام عادلانه اجتماعی حرکت میکند.

ما ازین قرار معیار ترقی را تعریف کردیم، اکنون بحث را در باره فاکتورهای که بسوی رشد تکنیك ،کولتور و نظام عادلانه اجتماعی حرکت میکند ادامه میدهیم.

(د.ل)

## دصیهونیت او امپریالیزم نوی

### ماجراجویانه عمل دنیری سوله تهدیدوی

بیرك کار مل

شهر کابل کیه پایتخت کشوراست ، باصطلاح بیشترمنه تریننقطه افغانستان بشمار میرود ، زیرا دررشته تا گانی و تا مبنوا ذن اقتصاد وفرهنگ کشور قسمت اعظم مراکزفرهنگی واجتماعی ، صنا ئیت ها و تشبثات اقتصادی و سر مایه گذاری ها، علاوه بر ادارات دولتی دربن شهر متمرکز شده است .

شهر کابل که به اصطلاح بزرگترین وزیبا ترین شهر کشور است و در میان شهر های دیگر مملکت بیك هم به اصطلاح بیرق ، ستاره میدرخشد، قسمتیدی بزرگ اهالی آن به به برین وجهی بافقر ، بدبختی وبیکاری دست په گریبانند. جاده ها ، خانه ها پست، کوچه ها و پس کوچه های این شهر مظهر بزرگترین تضادهای اجتماعی است .

بیکاری مزمن و روز افزون یکی از امراض بد بختی آور این شهر است ، از یکطرف نفوس اضافی دهات برای پیدا نمودن نان وگزیز از فقر وبیکاری ، بسوی شهر هاوبالا خص شهر کابل رومیاورند ، که دستگاه های صنعتی واجتماعی ، وتعاونیهای اقتصادی محدود کابل هرگز قادر به جلب این میل بیکاران نبوده است . آنها که به آرزوی دهاتی از چنگال بیرحم فقر در پنجا میرسیدند همه در های امید را بر روی خویش بسته می یابند، از طرف دیگر کابل نیز مانند دهات نفوس اضافی خود را که در نتیجه بوجود عدم هم آهنگی میان رشد وز یاد نفوس اینجا و بیکاری دد ، بنه این گروه بیکاران میافزاید و هم تعداد زیادی ازپیشه وران وکسبه ورشکست گی دیده و عددی دیگری از ما موران پائینترینه رتبه ، کارگر کیه بنا بمبای مختلف (ضایعه بست ، اخراج وغیره) از ادارات و فابریکات بیرون میریزند به این گروه اضافه میشود که هر روزه بنیانی میدانند تا طرز دیسرعی این سیاه بیکار ان باشند که اکنون بی کار یا بانت کار گردانیده .

نوبدست هایدهد بك ، یل چنتی، شهر آراء وبیره ، جا هایی که مراکز عرضه کالا ، بازار های تعمیر ، تنی خیر ، مزارین نفر کار گر ماهر و غیر ماهر ، سا حماتی از صبح تیغی روز تا نیمه های روز به انتظار در بانت کار می نشینند وفقط عدهٔ بسیارقلیل و بخصوصیت آنها میتوا نند کاری بدست بیا ورند و چیزی بدست آورند ودیگر ان بادستهای خالی وشکم های گرسنه باز میگر دند .

حاصلیه اینکه درشهر کابل عرضه کار بیقیاس وحشت آوری بر نقاضا فزونی دارد، واین امر زمینهٔ بسیار مساعدی رابرای سوء استفاده های بیدا ن استعمار گران ، سر پا ن کارگران وطبقات پائینتر جا معه نه وجود آورده است .

حاصلیه اینکه درشهر کابل عرضه کار بیقیاس وحشت آوری بر نقاضا فزونی دارد، واین امر زمینهٔ بسیار مساعدی رابرای سوء استفاده های بیدا ن استعمار گران ، سر پا ن کارگران وطبقات پائینتر جا معه نه وجود آورده است .

دامنهٔ فقر هر روز گسترش بیشتر می یابد . بیکال فقر تنها گلو ی عزاران کارگر ودهقانکش بیکار شهر را نمی فشارد ، بلکه اکبریت بزرگ اهالی شامل کار آن نیز بعلتی عوایه ا جیر و ثابت طبقات در پر ا بر نو سا نات قرار و صعود یا سا ئیرآن قادر نه تا ضرورت های وسایل زندگی بیستند .

اکثریت اهالی شهر کابل مانند مردم سراسر مملکت در چنگال فقر ، بیکاری ، بیماری و صد ها بلاگیتا دیگر گرفتار اند که علت اصلی آنها همه به بختی و جود نظام فر توت اجتماعی ، اقتصادی فیو دالی در کشور می باشد .

(ب.ن)

## نور و تاریکی

درزر فای مخوف ظلمت ، انجاکه بهنه بیکرانه هستی خلق ، جولانگاه سمند غو ی های باسداران ظلمت است ، در خراب آباد سیاهی کداز سنگ سنگ خونین ان فریادضعیه ها و نا له های هزاران زنده گی بر باد رفته ، هزاران امید درخاك گسنه به آسمان بلند است .

ای ! در زرفای همین تاریکی ،نقطه نور در تکوین است ، وتاریخ ایستن این نو زایی

ولی پاسداران شب که ازنور بخاطر حقیقت روشن آن متنفرند کهان را بر ملاگر نفس های زشت خویش می بندارند وبهر حانه تلاش دارند نقطه نور را ، نقطه فر زنده رومنده زمان را در دل تاریخ خفه کنند.

واین، آغاز گاه مهیب نبرد است :نبرد نور وتاریکی ، نبرد کهنه ونو نبرد حق وباطل .

ونو ، همو طن من برادر من !، که پای هر دو یمان درسلسله بـا زنجیر در بند است ، بیا در حماسه شگفت این «نورزائی کبیر» سـ سـ باشیم .

بیاهر جاکه ظلمت است ، نوررابفروز انیم ـ گستر ش دهیم و آن شعله ها ی بنیا د ین خشم وانقلاب در اوزیم .

هموطن من ! بیاشو ، حما سه سرگری شکست سکوت دیر یا ابر انگیز انیم و طنین فریاد های عصیا نگر خود را در خلال اموا خرو ستان سرکس اموه بر فرا زفله های مغرور هندو کو ـ ه دردام صخره ها ی خو نین خیبر ـ دریکران رتستان های تف زده نیمروز، هماواز زمزمه های حماسه اقر ین اوداو چ پر نیش شب پره ، به جر ، دراؤز یم .

برادر من ! نلدنك قطره ها را بهم ریزم . آن راد ریك مسیر به جریان دراوریم ، وچو ناك سیلی بنیان کن به جلو تازیم . چه غرور آفرین است چون سیل ـ خروز شیدن ـ چیدن ـ دویستیدن ـ وچه نگین وشرم آور ست ، بادرل مسیر و ا حد ، گرد خود گستن ـ در خود پیچید ن ودشمن مسیر را فرا موش کردن .

همو طن براه ما رو شن است ، برچم درخشان آز ما نها ی خلق. چون شرا ف دست زند کی ما ، زینت بخش دو ش ما وزو ینگر ی را ه ما ست .

برنده ترین سلاح در نبرد اینا ما ست : ایمان به خلق ، ایمان به جوشش خلق نابذیر، ایمان به هدف، ایما ن به نیرو زی، ایمان به فردای درخشانی که همه ی رسیدن به آن، باغول شب در نبرد بچه واه ناخواه بر تو گرم می خورد شید صبح فردای انسانی را بر گونه ها ی خو یش احساس خو اهیم کرد، زیرا :

نور در همه حال ، در همه جا برظلمت غلبه پذیر است . همان طور که هر چیز نو ، کهنه را نیستی بالدان تاریخ می کند .

این ،ایمان تزلزل ناپذیر ماست.

(د.ل)

## کارگران ساختمانی انکشاف وادی

### ننگرهار برای رفع مشکلات صنفی خویش

دست به اعتصاب زدند .

اطلاع میدهد که روز چار شنبه رفع مشکلات آنی خلاصه میشود ۲۸ قوس (۳۰۰) نفر کارگر مدیریت ساختمانی آبریزاول ریاست انکشاف وادی تنگر هار دست به اعتصاب بکاروزده زدند و مظاهره کنان بطرف مرکز ریاست حرکت کردند ، تا خوا ستهای قا نونی خویش را به رئیس بروزه ارائه کنند . ولی وی بدون اینکه جواب قناعت بخشی در برابر مطا لبات قانونی کار گران بدهد ، اداره را ترك گفت و ایـن امر موجب آن شد تا بروز (٤) جدی کار گران در صوف باز دیگر دست به اعتصاب بزنند . ولی ما سفانه باز هم به خوا ستهای ایشان با بی اعتنائی بر خورد گردید رهبانی به عرض رسیده ونحت فشار فرماوادن کارگران تعیین شد . معهذا کارگران وطنپرست کابل در دفاع از حقوق صنفی خود استواری نشان دا د ه و اعلام کردند ، تا در مورد مطالبات قانونی آبان پاسخ مثبت ارائه نگردد به اعتصا ب خود ادامه دهند .

خوا ستهای عمدهٔ کار گران در

## نور و تاریکی

درزر فای مخوف ظلمت ، انجاکه بهنه بیکرانه هستی خلق ، جولانگاه سمند غو ی های باسداران ظلمت است ، در خراب آباد سیاهی کداز سنگ سنگ خونین ان فریادضعیه ها و نا له های هزاران زنده گی بر باد رفته ، هزاران امید درخاك گسنه به آسمان بلند است .

ای ! در زرفای همین تاریکی ،نقطه نور در تکوین است ، وتاریخ ایستن این نو زایی

ولی پاسداران شب که ازنور بخاطر حقیقت روشن آن متنفرند کهان را بر ملاگر نفس های زشت خویش می بندارند وبهر حانه تلاش دارند نقطه نور را ، نقطه فر زنده رومنده زمان را در دل تاریخ خفه کنند.

واین، آغاز گاه مهیب نبرد است :نبرد نور وتاریکی ، نبرد کهنه ونو نبرد حق وباطل .

ونو ، همو طن من برادر من !، که پای هر دو یمان درسلسله بـا زنجیر در بند است ، بیا در حماسه شگفت این «نورزائی کبیر» سـ سـ باشیم .

بیاهر جاکه ظلمت است ، نوررابفروز انیم ـ گستر ش دهیم و آن شعله ها ی بنیا د ین خشم وانقلاب در اوزیم .

هموطن من ! بیاشو ، حما سه سرگری شکست سکوت دیر یا ابر انگیز انیم و طنین فریاد های عصیا نگر خود را در خلال اموا خرو ستان سرکس اموه بر فرا زفله های مغرور هندو کو ـ ه دردام صخره ها ی خو نین خیبر ـ دریکران رتستان های تف زده نیمروز، هماواز زمزمه های حماسه اقر ین اوداو چ پر نیش شب پره ، به جر ، دراؤز یم .

برادر من ! نلدنك قطره ها را بهم ریزم . آن راد ریك مسیر به جریان دراوریم ، وچو ناك سیلی بنیان کن به جلو تازیم . چه غرور آفرین است چون سیل ـ خروز شیدن ـ چیدن ـ دویستیدن ـ وچه نگین وشرم آور ست ، بادرل مسیر و ا حد ، گرد خود گستن ـ در خود پیچید ن ودشمن مسیر را فرا موش کردن .

همو طن براه ما رو شن است ، برچم درخشان آز ما نها ی خلق. چون شرا ف دست زند کی ما ، زینت بخش دو ش ما وزو ینگر ی را ه ما ست .

برنده ترین سلاح در نبرد اینا ما ست : ایمان به خلق ، ایمان به جوشش خلق نابذیر، ایمان به هدف، ایما ن به نیرو زی، ایمان به فردای درخشانی که همه ی رسیدن به آن، باغول شب در نبرد بچه واه ناخواه بر تو گرم می خورد شید صبح فردای انسانی را بر گونه ها ی خو یش احساس خو اهیم کرد، زیرا :

نور در همه حال ، در همه جا برظلمت غلبه پذیر است . همان طور که هر چیز نو ، کهنه را نیستی بالدان تاریخ می کند .

این ،ایمان تزلزل ناپذیر ماست.

(د.ل)

## پرچم

وافغانستان دفتک دموکراتیک افکاو نیز ویدگی

۱۶ جدی ۱۳۴۷

## فقر و بیکاری

### در شهر کابل

شهر کابل کیه پایتخت کشوراست ، باصطلاح بیشترمنه تریننقطه افغانستان بشمار میرود ، زیرا دررشته تا گانی و تا مبنوا ذن اقتصاد وفرهنگ کشور قسمت اعظم مراکزفرهنگی واجتماعی ، صنا ئیت ها و تشبثات اقتصادی و سر مایه گذاری ها، علاوه بر ادارات دولتی دربن شهر متمرکز شده است .

شهر کابل که به اصطلاح بزرگترین وزیبا ترین شهر کشور است و در میان شهر های دیگر مملکت بیك هم به اصطلاح بیرق ، ستاره میدرخشد، قسمتیدی بزرگ اهالی آن به به برین وجهی بافقر ، بدبختی وبیکاری دست په گریبانند. جاده ها ، خانه ها پست، کوچه ها و پس کوچه های این شهر مظهر بزرگترین تضادهای اجتماعی است .

بیکاری مزمن و روز افزون یکی از امراض بد بختی آور این شهر است ، از یکطرف نفوس اضافی دهات برای پیدا نمودن نان وگزیز از فقر وبیکاری ، بسوی شهر هاوبالا خص شهر کابل رومیاورند ، که دستگاه های صنعتی واجتماعی ، وتعاونیهای اقتصادی محدود کابل هرگز قادر به جلب این میل بیکاران نبوده است . آنها که به آرزوی دهاتی از چنگال بیرحم فقر در پنجا میرسیدند همه در های امید را بر روی خویش بسته می یابند، از طرف دیگر کابل نیز مانند دهات نفوس اضافی خود را که در نتیجه بوجود عدم هم آهنگی میان رشد وز یاد نفوس اینجا و بیکاری دد ، بنه این گروه بیکاران میافزاید و هم تعداد زیادی ازپیشه وران وکسبه ورشکست گی دیده و عددی دیگری از ما موران پائینترینه رتبه ، کارگر کیه بنا بمبای مختلف (ضایعه بست ، اخراج وغیره) از ادارات و فابریکات بیرون میریزند وبه این گروه اضافه میشود که هر روزه بنیانی میدانند تا طرز دیسرعی این سیاه بیکار ان باشند که اکنون بی کار یا بانت کار گردانیده .

نوبدست هایدهد بك ، یل چنتی، شهر آراء وبیره ، جا هایی که مراکز عرضه کالا ، بازار های تعمیر ، تنی خیر ، مزارین نفر کار گر ماهر و غیر ماهر ، سا حماتی از صبح تیغی روز تا نیمه های روز به انتظار در بانت کار می نشینند وفقط عدهٔ بسیارقلیل و بخصوصیت آنها میتوا نند کاری بدست بیا ورند و چیزی بدست آورند ودیگر ان بادستهای خالی وشکم های گرسنه باز میگر دند .

دامنهٔ فقر هر روز گسترش بیشتر می یابد . بیکال فقر تنها گلو ی عزاران کارگر ودهقانکش بیکار شهر را نمی فشارد ، بلکه اکبریت بزرگ اهالی شامل کار آن نیز بعلتی عوایه ا جیر و ثابت طبقات در پر ا بر نو سا نات قرار و صعود یا سا ئیرآن قادر نه تا ضرورت های وسایل زندگی بیستند .

اکثریت اهالی شهر کابل مانند مردم سراسر مملکت در چنگال فقر ، بیکاری ، بیماری و صد ها بلاگیتا دیگر گرفتار اند که علت اصلی آنها همه به بختی و جود نظام فر توت اجتماعی ، اقتصادی فیو دالی در کشور می باشد .

(ب.ن)

## در باره اعلامیه حقوق ...

از (ص اول)

پیرو کراسی فلاکتی وپوروژوا ز ی تجاری دلال ودوابسته به امپریالیزم ، استادی شرایط ، سخن زد ویا تساوی حقوق درداره عمومی کشور خودصحبت کرد و بمشاغل عمو می کشور خود نایل آمد؟

سوال دیگر در زمینهٔ ماده فوق اینست که : در شرایط نظام ملی کنونی که تمام قدرت های سیاسی، اقتصادی و ... ، جنا ب عالی و قس علی و د و ست شان طبقه حاکمه مرتجع واجتماعات متشدد قرار دارد، پس عملا چطور میتوانند اراده مردم حکومت کنند ؟

مردم کشور ما که هر روز در زیر چنگال مرتجعین وستمندین دست وپا میزند ، چگونه میتوانند اراده آزاد خودرا بوسیله انتخابات ابراز دارد؟ آیا هاکنون عملاحالت دست راستی ومقامات حاکمه مرتجع ، و دستگاه های جاسوسی آنها بیشوه سی آی دی و سی آی ا ، به شیوه بنا بازیزم و یا و ا ضـ ح تر به شیوه ه استبداد فردوسطائی ، شروع به تهدید وتحویف نکرده اند؟ تا در انتخابات دوره سیزدهم شوری و انتخابات بنارولیی ها ، چه که های دلایستی اراده آزاد مردم را سلب نمایند وچطور کسی بهتر ین وصدیق ترین فرزندان خلق را ، شریفترین وطنپرستان وبیرو های فدا کار مترقی و ملی ودموکراتیك را میبندو سازند وبه نحوی از انحا علیه آنان توطئه و دسیسه نمایند و حتمی دسیسه تورد و مرگ آنانرا بچینند ، اظهار رای مصالح مردم ، بعد از خسیم دسپوتیسم پارلمانی، علی رغم ماده پنجاه ویکم قانون اساسی افغانستان و ماده اول حقوق بشر در شبکه های اعضای مبو جود هم کسیون دموکراتیك خلق افغانستان را در شوری، بعد از خسیم دسپوتیسم پارلمانی، علی رغم ماده پنجاه ویکم قانون اساسی افغانستان و ماده اول حقوق بشر در شبکه های نماینده گی کرده اند . دسیسهٔ تورد اعضای فراکسیون دموکراتیك خلق افغانستان در جریان اجلاس شو ری پاریخ ۵ قوس ۱۳۴۵ مؤید این ادعای ماست.

سوال دیگر: چطور میتوان در شرایط نظام کنستیتوسی سیاسی واقتصادی و اجتماعی مطابق قانون اساسی افغانستان که میگوید: «حقوق بشر وماده چهل ویکم قانون اساسی افغانستان که میگوید: «شوری افغانستان مظهر اراده مردم

## در باره اعلامیه حقوق بشر

### و کیفیت اجرای آن در کشور ما

—۳—

ـ ماده بیست و یکم ـ (۱) هر کس حق دارد که در اداره امور مهم ملی کشور خود ، خواه مستقیما وخواه بوسیله انتخابی ابراز کند که ازطریق مساوات باشد ویا را ی دهنده ها با طریقه نظیر آن انجام گیرد

(۲) هرکس حق دارد با تساوی شرایط مشاغل عمومی کشورخود نایل آید .

(۳) اساس ومنشاقدرت حکومت، اراده مردم است، این اراده با ید بوسیله انتخابات ادواری ابراز گردد که بایك طاهر نشان ساخت کـه مخابره دوقوی نیز درقانون اساسی افغانستان وجود دارد وطی کیفیت اجرای آن در کشور ماعملا به نفع یك گروه کوچك مستثمر طبقه حاکمه است بر خلاف اعلامیه حقوق بشر وقانون اساسی افغانستان درفصل در حیات وزعامت ، قدرت حاکمه در دست یك اقلیت کوچك ملت که بنام طبقه حاکمه یاد میشود میباشد ، که در دست اکثریت عظیم ملت. سوال در اینجاست که چطور میتوانند در شرایط نظام فئو د ا لی واشرافی و قر با نی ...

(ص۴)

سلسله گذشته

## اعترافات صدر اعظم و وزرای افغانستان

### ازبیانیه دکتور یو پل معاون اول صدارت (سابق وزیر معارف) بمنا سبت افتتا ح سال نو تعلیمی (صفحه ۳۵ سالنامه افغانستان)

### حاکمیه هر روز موانعی برای فعالیتهای جوانان وتلیرست خلق میکند و نمیگذارد که جوانان درمان خلق برودند. نیرو ها ی ملی ومترقی نمی باشند...

« ـ بیشا شدن تفرقه وبد نیتی در میان ملت ما دشمنا نما بست که به بیشرفت مملکت ما دشمنا نما بست که به بیشرفت مملکت خو بش خو شین نیستند آنها بر بوط به آن طبقه مردم است که بعد از من طوفان نو ح گفته ا ند شی ورا بطه گی افکار و نقم

## موقف خیلوك پشتونستان په جنگ

### کی سوله غوښتونکی ، آزاد امتر قم ، پاکستان غواړو

د ا کستان مرتجعین هغه کوی چه د پښتو نستان له ملی تړ ښت خخه زموږ ملاګړ د پاکستان لپه موجود چه ښت او د پاکستان له خلکو ګډ لاړی ته مخ ګر ځ ته او بد ګمانی هیڅ نه راولی .

بناسپی حال کښی چه د پښتو د ملی ښیولګیری د ښپښت او ازادی او ګډ ښتی ملاتړ خپله ملی او بین المللی وظیفه ګیر . د پښتو نستان تر جنګه دیوړ ستیا ته ورسیدو ، د پښتو نستان د ازادی د ښپښتو نستان د ازاد ښت او د ستر ګی د ښپښتو نستان د ښپښتو نستان د ازادی د ښپښتو نستان د ښپښتو نستان د ازادی د ښپښتو نستان د ښپښتو نستان د ازاد

بارق شفیعی

# هنر و نقش آن در زندگی

## و مبارزه اجتماعی

### از نظرگاه جهانبینی علمی

**هنر بخلق تعلق دارد و با ریشه های عمیق خود دارد میان توده های وسیع زحمتکشان بتواند . هنر باید برای این توده ها قابل درک و محبوب باشد . باید احساس ، فکر و ارادهٔ این توده ها را منعکد ساخته و آنها را بدرجهٔ بالاتری ارتقاء دهد .**

(...)

در نیمهٔ اول آنست که در زوایه مسیر دورنمی آفرینشهای هنری، باینمیش عمیق و بیرنامه ای و زهر، وار گذار کاه دقیق تر پاکار هر مند با تشریح و تحلیل مختصات فنی و دقایق بدیعی پدیده های هنری ، وارد بحث شویم . و به فرصت آنکه، بحثوت اندیشه های برخیم و پیچ هم یك از نمایشگاه های شعر مبعرفت هنر سری بزنیم . با تدابیم در قسمت مسابقها در نقاشی و حجاری ، مراعات موازنه ها و مقارنه ها ، توجه به تزئین ابداع شکوه وجلال در معماری ، رفت احساس و دقت درك ، توصیف و تصویر نمود های زندگی در ادبیات و بالاخره ایجاد و هماهنگی رها، موی در موسیقی چنان صورت می گیرد ، کیفیاتی که روانی هنر منه ، آنگاه که دست اندر کار خلاقیت و ایجاد گریبا ی هنر نیست ، چگونه بتواند میکند، بلکه صرف دریچها بر آنچه میتوانیم پرداخت و از نظر کاهی مبنی نظیراتی برچم (پاشاری اینا متوقع و بفرج است افکار هنری، و خلاق، هنر علم فلسفه ،ملاحس اشکال گوناگون شعور اجتماعی می باشد ، ایـن دیدمخلی برای بخشهای گسترده ای ضرورتی در مبارزه های مختلف هنری بنمار می آید ، مسأله هنر ونقش آن در زندگی و مبارزه اجتماعیست، بر دمای جهانبینی علمی .

تمام بخشهای هنری زما ن ما ، به دهنر لوکلوریتن، که بخشی از فرهنگ خلق را تشکیل میدهد ، باهمه بعدی پودنش از تخاصلول فعی حیاتی پرداخه وهمیم بود نش وهیچود قد دسمن در مدانت متفق و متحد و قد ، در ما غالب نشده اند. اما همیشه مست عرض بیرما دمنمی ایکیاتیکی وجود دیری راستر و بی ریا ، با دفتری بهتر کیفیت و همیشه بخلق تعلق داشته تابه هنر منسد مسخص ، وجه هنر تلاسیدن، تا تمام اسلوبها وجریانات هنـری را حتوا میکند و بر میسای دیـر بـه حادثت هنری و قواعد استیك پدید آمده و محصول نضج مع فیا میـی و استطاعتها بزیا شناسی و استیتیك کلاسیك و رشد آکاهانهٔ منـطق هنریست دارین جهت انعکاس هرچه کاملتر وعطایی تر واقعیت عینی ، ایجاد میکند ، بعد از روز ، ایجاد میکند ، بعد از روز ، ایجاد میکند ، بعد از روز